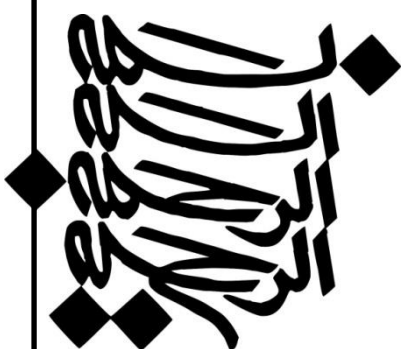




تاریخ تحولات سیاسی ایران

(از صفویه تا مشروطه)

وبلاگ سیاس

Sayyas.blogfa.com

تاریخ تحولات سیاسی ایران (از صفویه تا مشروطه)

عنوان درس به انگلیسی:

نام استاد ارائه دهنده: حجة الاسلام والمسلمین ابوطالبی

تاریخ ارائه: نیم سال دوم / ۱۳۹۳

مکان ارائه: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) / ساختمان مرکزی

تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۳

شماره: ت ۰۸ / ۱۰

وبلاگ سیاس

sayyas.blogfa.com

آدرس:

پست الکترونیک: sayyas@mihanmail.ir

-
- هرگونه استفاده، انتشار، کپی کردن، اسناد دهی، درج در سایت ها و دیگر وبلاگ ها با ذکر نام منبع (وبلاگ سیاس) جایز می باشد.
 - فروش این جزوه، شرعاً حرام می باشد.
 - هرگونه تغییر شکل در محتوای ظاهری جزوه، جایز نمی باشد.

فهرست

۶	مقدمه.....
۶	۱. انواع گرایش‌های تاریخ:.....
۶	۲. انواع رویکردها به تاریخ:.....
۶	۳. مقاطع مهم تاریخ ایران:.....
۷	۴. ایران معاصر:.....
۷	۵. برخی دیگر از مقاطع مهم تاریخ ایران.....
۸	۶. ویژگیهای ایران معاصر.....
۹	۷. انواع استعمار:.....
۱۰	صفویه.....
۱۰	۱. رسمیت یافتن تشیع در ایران.....
۱۱	۲. تعریف مناصب حکومتی برای علما و فقهای شیعه.....
۱۱	علما و مسأله همکاری با شاهان صفوی.....
۱۱	الف) مخالف همکاری با صفویه:.....
۱۲	ب) موافق ورود به حکومت:.....
۱۳	نتایج همکاری علما با سلاطین صفوی.....
۱۵	قاجاریه.....
۱۵	وضعیت جهان در زمان ظهور قاجاریه.....
۱۶	ویژگی‌های کلی دوره قاجاریه.....
۱۷	جنگ‌های ایران و روس.....
۱۸	جنگ اول ایران و روس.....
۱۸	شرح ماجرا.....
۱۸	معاهدات.....
۱۹	علل شکست ایران در جنگ اول:.....
۲۰	جنگ دوم ایران و روس.....
۲۰	مقدمات جنگ دوم.....
۲۰	آغاز جنگ.....
۲۱	حرکت نزولی و افول سپاه ایران.....
۲۱	معاهده ترکمنچای.....

۲۱.....	نتایج معاهده ترکمنچای.....
۲۲.....	جریان قتل گریبایدوف.....
۲۲.....	دوران سلطنت ناصرالدین شاه.....
۲۲.....	امیرکبیر و حوادث مهم دوره او.....
۲۳.....	اقدامات امیرکبیر.....
۲۳.....	صدارت اعظم، پس از امیرکبیر.....
۲۵.....	جریان روشنفکری.....
۲۵.....	معنای اصطلاحی روشنفکر.....
۲۵.....	زمینه‌های شکل‌گیری روشنفکری در ایران.....
۲۶.....	گفتمان‌های روشنفکری در ایران.....
۲۶.....	گفتمان اول: تجدّدگرایی و سنت‌زدایی، ظهور روشنفکری بیمار در ایران.....
۲۶.....	مؤلفه‌های روشنفکری بیمار در ایران.....
۲۹.....	نهضت تنباکو.....
۲۹.....	زمینه‌های نهضت تنباکو.....
۲۹.....	وصول و انتشار فتوای میرزای شیرازی.....
۲۹.....	نحوه برخورد ناصرالدین شاه با نهضت تنباکو.....
۳۰.....	پیامدهای لغو امتیاز تنباکو.....

مقدمه

۱. انواع گرایش‌های تاریخ:

گرایش‌های مختلفی برای فهم بهتر تاریخ وجود دارد:^۱

۱. تاریخ نقلی: روایت حوادث تاریخی می‌باشد و به چستی حوادث می‌پردازد.

۲. تاریخ تحلیلی: تحلیل حوادث تاریخی می‌باشد و به چرایی حوادث می‌پردازد.

۳. فلسفه تاریخ: به قواعد و سیر کلی تحولات و حوادث تاریخی می‌پردازد.

بحث ما در تاریخ تحولات ایران از نوع «تاریخ تحلیلی» است، اگرچه «تاریخ تحلیلی» به «تاریخ نقلی» احتیاج دارد، تا بتواند آن را تحلیل کند.

۲. انواع رویکردها به تاریخ:

۱. مادی و اومانیستی: با نگاه مادی به تاریخ نگاه می‌کند و انسان و رشد مادی را محور تاریخ می‌داند. مثلاً

تاریخ را به دوره‌های عصر حجر، عصر مفرغ، عصر کشاورزی و صنعتی تقسیم می‌کند.

۲. الهی: نقش خداوند در تاریخ را محور تاریخ می‌داند. مانند تقسیم دوره‌های تاریخی به تاریخ انبیاء(ع)،

تاریخ ائمه(ع).

۳. مقاطع مهم تاریخ ایران:

منظور از مقاطع مهم تاریخی، بعضی از اتفاقات تاریخی است که تأثیرگذار بر حوادث بعد از آن است و موجب

تفاوت با قبل از آن می‌شود. این مقاطع عبارتند از:

۱. ورود اسلام به ایران (۱۵ ق)

۲. سقوط خلافت عباسیان توسط مغول که باعث خروج ایران از سلطه حاکمیت سنی‌ها بوده است که باعث

رهایی از فشارها و تضییقاتی بود که شاهان سنی مذهب بر شیعیان وارد می‌کردند. (۶۵۶ ق)

۳. ظهور صفویه و رسمیت یافتن تشیع. (۹۰۷ ق)

۴. انقلاب اسلامی که نظام سلطنتی را ساقط کرد و نظام دینی جایگزین آن شد. (۱۳۵۷ ش)

۱. موسی نجفی و موسی حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴)، ص ۱۱

۴. ایران معاصر:

برای تعریف «معاصر» دو ملاک وجود دارد:

۱. **معیار کمی عددی:** که دوره زمانی خاصی را ملاک معاصر بودن می‌داند. عده‌ای یکصد سال اخیر (سده اخیر) را ملاک می‌دانند، که این نظر از اهمیت بیشتری برخوردار است. عده‌ای دیگر دوره کنونی یعنی ۵۰ یا ۳۰ سال اخیر را ملاک تاریخ معاصر می‌دانند.

۲. **معیار کیفی:** تاریخ معاصر از زمانی آغاز می‌شود که تحول هویتی و فرهنگی مهمی در آن تاریخ اتفاق افتاده باشد. این که از چه زمانی تحول مهم هویتی اتفاق افتاد، سه دیدگاه وجود دارد:

الف. ظهور صفویه: از صفویه به بعد هویت و فرهنگ غالب ایرانی، هویت شیعی شده است. (۵۳۰ سال پیش)
 ب. جنگ‌های ایران و روس: از این زمان ایرانی‌ها با فرهنگ و تمدن جدید غربی آشنایی پیدا کردند و تأثیرپذیری و حرکت به سمت این تمدن صورت گرفت. (۲۲۰ سال پیش)
 ج. نهضت مشروطه: از مشروطه به بعد تغییر نهادهای مختلف در ایران صورت گرفت، نهادهای اجتماعی و فرهنگی مانند پوشش و سبک زندگی، نهادهای حقوقی، نهادهای آموزشی و نهادهای سیاسی تغییر کردند. (۱۰۷ سال پیش)

ما مورد اول یعنی ظهور صفویه را مبدأ زمانی آغاز تاریخ معاصر ایران می‌دانیم، زیرا دو مورد دیگر قبلاً هم وجود داشته‌اند و نتوانسته بودند فرهنگ شیعی را تحت تأثیر قرار دهند، بلکه در فرهنگ شیعی هضم شدند. مثلاً بعضی از مظاهر تمدن غرب مانند پوشش جدید را تا حدودی که با شرع مخالفت نداشته باشد پذیرفتند، و هم-چنین تغییر نهادهای سیاسی در دوران مشروطه را با نظارت علما (شورای نگهبان) کنترل کردند.

۵. برخی دیگر از مقاطع مهم تاریخ ایران

با برخی دیگر از مقاطع مهم تاریخ ایران آشنا می‌شویم:

۱. **جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸):** وجه اهمیت آن عبارت است از:

- ۱) آغاز تهاجم نظامی غرب
- ۲) آغاز آشنایی با غرب جدید و احساس عقب‌ماندگی نسبت به آن
- ۳) ظهور جلوه‌ای از ولایت فقیه در عرصه عمل

۲. **نهضت تحریم تنباکو (۱۳۰۹):** وجه اهمیت آن عبارت است از:

- ۱) پیروزی مردم در مقابل استعمار و استبداد بر مبنای حکم ولایی میرزای شیرازی
- ۲) ظهور جلوه‌ای از ولایت مطلقه فقیه

۳) مقابله مردم با تهاجم اقتصادی غرب

۳. نهضت مشروطه (۱۲۸۵): وجه اهمیت آن عبارت است از:

(۱) تأسیس نهاد رسمی قانون‌گذاری

(۲) مشارکت سیاسی رسمی مردم

(۳) مقابله با تهاجم سیاسی غرب

۴. ظهور رضاخان و تأسیس حکومت پهلوی (۱۲۹۹): وجه اهمیت آن عبارت است از:

(۱) آغاز تهاجم فرهنگی غرب

(۲) تثبیت سکولاریسم در غرب

۵. نهضت ملی‌شدن صنعت نفت (۱۳۲۹): وجه اهمیت آن عبارت است از:

(۱) مقابله با قرارداد استعماری

(۲) اتحاد گروه‌های مختلف سیاسی

۶. آغاز نهضت امام خمینی (۱۳۴۱): وجه اهمیت آن مقابله با تهاجم فرهنگی غرب می‌باشد.

۷. پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷): وجه اهمیت آن عبارت است از:

(۱) نفی حکومت سلطنتی

(۲) تأسیس نظام اسلامی بر مبنای مردم‌سالاری دینی

۶. ویژگی‌های ایران معاصر

ایران معاصر دو ویژگی مهم دارد:

اول: وجود حکومت‌های استبدادی سلطنتی

دوم: هجوم غرب به جهان اسلام؛ که این هجوم به ترتیب چهار صورت داشت:

الف. نظامی: جنگ‌های ایران و روس

ب. اقتصادی: در قالب قراردادهای اقتصادی

ج. سیاسی: پیاده‌کردن اجباری مدل نظام سیاسی غربی در ایران

د. فرهنگی: با تثبیت سکولاریسم در تمام عرصه‌های زندگی و تثبیت فرهنگ و تمدن غرب جدید در ایران

سوم: گسترش و تثبیت فرهنگ و هویت ایران شیعی

چهارم: ظهور جریان رشنفکرب در ایران

پنجم: ظهور استعمار در ایران در قالب «استعمار نو» و «استعمار فرانوَ»

۷. انواع استعمار:

۱. استعمار کهن (کلاسیک): این دوره از رنسانس و متحول شدن جهان غرب شروع و تا جنگ جهانی اول

ادامه داشت. شعار آن «آبادانی سرزمین‌های دیگر» و «نجات انسان‌ها از توحش و اعطای تمدن به آنان» بود. اهداف استعمار کهن عبارت بود از:

(۱) دستیابی به مواد اولیه و ذخایر زیرزمینی

(۲) دستیابی به نیروی کار ارزان

(۳) بازار فروش محصولات تولیدشده

۲. استعمار نو (نئوکلاسیک): مشخصه بارز آن، روی کارآوردن افراد بومی وابسته و تقویت احزاب غرب‌گرای

بومی در کشورهای متبوع مانند رضاخان و آتاتورک بود. هدف آن تغییر ساختارهای علمی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای متبوع در راستای منافع غرب عنوان شده است.

۳. استعمار فرانوَ: هدف آن تسلط کامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر دنیا به طور نامحسوس می‌باشد. برای

نیل به این راهبردهای زیر را مد نظر قرار دادند:

(۱) کاهش کنترل حکومت‌ها بر ملتها

(۲) تبدیل دانش و فناوری به مزیت اصلی

(۳) افکارسازی و حکومت بر اذهان

(۴) جهانی‌سازی قوانین و مقررات (کنوانسیون‌ها)

(۵) جهانی‌سازی اقتصاد

(۶) یکسان‌سازی فرهنگ (تضعیف فرهنگ‌های بومی)

(۷) حاکمیت بر سازمان‌های بین‌المللی

صفویه

دو اتفاق مهم در زمان صفویه رخ داد که عبارتند از:

۱. رسمیت یافتن تشیع در ایران

بعد از سقوط بغداد به دست مغولان، مشروعیت مذهب تسنن از میان رفت؛ از سوی دیگر تصوّف هم برای اداره حکومت کارایی لازم را نداشت، از همین رو صفویه به تشیع و فقه شیعی گرایش پیدا کردند. در این جا به این مسأله خواهیم پرداخت که رسمیت تشیع در زمان صفویه، اجباری بوده است یا خیر؟

مسأله اجباری شدن تشیع: سؤال اصلی این است که چرا این بحث را مطرح می‌شود؟ پاسخ این است که در صورت صحت اجباری بودن تشیع به دست صفویه، اثبات می‌شود که تشیع و اسلام برای ایرانیان عرضی است و اصل برای ایرانی‌ها همان زرتشتی بودن است.

در پاسخ می‌گوییم: این مطلب بدیهی است که هم ورود مسلمانان به ایران و هم تشکیل حکومت صفوی با زور شمشیر بوده است، و اساساً همه حکومت‌های دیگر هم با زور منتقل شدند. انتقال قدرت معمولاً با کمک گرفتن از قهر و غلبه و جنگ نظامی صورت می‌گرفته است.

اما این که مسلمانان، ایرانیان را مجبور به پذیرش اسلام کرده باشند، دلیلی بر آن نداریم. بلکه شواهدی بر عدم اجبار آنان به پذیرفتن تشیع وجود دارد که عبارتند از:

الف) وجود ریشه‌های تشیع در منطقه: حرکت شیعی خالص در ایران در دوره خدابنده و علامه حلی و علامه کاشی، جریان شیعه غالی و علوی در آناتولی، سوریه، عراق و غرب ایران.

ب) پیشرفت و گسترش تشیع به راحتی و بدون هیچ جنبش ضد شیعی.

ج) وجود اکثریت سنی در قزوین ۵۰ سال بعد از شاه اسماعیل.

د) فقدان گزارشی مبنی بر اجبار شاه طهماسب به شیعه کردن مردم قزوین هنگام تغییر پایتخت از تبریز به قزوین.

ه) گزارش فعالیت‌های تبلیغاتی منظم طهماسب با همکاری علما مانند بنا مسجد بر سر قبور ائمه و مشاهد مشرفه.

و) تداوم گسترش حرکت تشیع در زمان شاه عباس.

۲. تعریف مناصب حکومتی برای علما و فقهای شیعه

شاهان صفوی بعد از به قدرت رسیدن از علمای شیعه برای حضور در حکومت دعوت به عمل آوردند، علاوه بر این که علمای شیعه که در مناطق سنی‌نشین ساکن بودند، به ایران مهاجرت کردند.

شاهان صفوی، مناصب مختلفی برای علما تعریف کرده بودند. از این میان، دو منصب «شیخ الاسلام» و «صدر» مهم‌تر از همه بود. این مناصب عبارتند از:

الف) شیخ الاسلام: وی رئیس همه علما بود.^۲ مسئولیت امور شرعی حکومت مانند نماز جمعه و اوقاف، و امور حقوقی مانند قضاوت، رفع اختلافات، ثبت اسناد حقوقی و مجازات مجرمین بر عهده شیخ الاسلام بود.

ب) صدر: در برخی از تعابیر، واجد همان وظایف و اختیارات شیخ الاسلام بود، ولی در بعضی تعابیر فقط واجد مقام اوقاف بود. «صدر» بر دو نوع بود: «صدر عامه» که مسئول اوقاف عمومی بود؛ و «صدر خاصه» مسئولیت اوقاف سلطنتی را به عهده داشت.

عناوین دیگر عبارتند از:

ج) ملّاباشی^۳

د) امام جمعه

ه) قاضی عسکر

و) نقیب السادات

علما و مسئله همکاری با شاهان صفوی

همکاری علما با سلاطین صفوی یکی از بحث‌های چالشی آن زمان بود که موافقین و مخالفین هر کدام ادله‌ای برای ادعای خود اقامه می‌کردند. به‌طور کلی علمای دوره صفویه بر دو قسم هستند:

الف) مخالف همکاری با صفویه:

کسانی مانند مقدّس اردبیل، شیخ فاضل قطفی مخالف ورود به حکومت و همکاری با شاهان صفوی بودند. ادله آنان عبارت بود از:

۱. حکومت صفویه، حکومت جور است و ورود به این حکومت، تقویت حکومت جوراست، در حالی که روایات ما را از آن نهی کرده است.

موافقین از این دلیل جواب می‌دادند که همکاری با سلطان جائز به شرط تقویت مذهب و کمک به شیعیان جایز بلکه واجب است. ماجرای علی بن یقطین مؤید آن است.

۲. موسی نجفی و موسی حقانی، همان، ص ۵۸

۳. رابط بین علما و دربار بوده است. موسی نجفی و موسی حقانی، همان، ص ۵۸

مخالفین ضمن ردّ این جواب و این که به هر حال، ورود در حکومت جور، تقویت آن است، روایت علی بن یقطین را یک قضیه شخصی (قضیه فی واقعه) می دانستند که عمومیت ندارد و قابل توسعه نیست.

۲. قبح اخذ منصب از سلطان جائز برای فقها، دلیل دوم مخالفین بود.

پاسخ موافقین این بود که اخذ منصب از سلطان، یک حکم ظاهری است ولی در واقع این امام معصوم است که فقها را برای این منصب، نصب کرده است. روایات ولایت فقیه که دلالت بر نیابت عامه می کند را دلیل بر آن می دانستند.

۳. درباری شدن علما و دولتی شدن دین امر دیگری بود که مخالفین آن را موجب وهن دین می دانستند. در حالی که موافقین معتقد بودند که درباری شدن علما کلیت ندارد، بلکه با مراقبت و تهذیب نفس قابل رفع است.

ب) موافق ورود به حکومت:

کسانی مانند شیخ بهایی، محقق کرکی، علامه مجلسی ضمن همکاری با حکومت صفویه، معتقد بودند که این همکاری موجب حفظ و تقویت اسلام و منافع شیعیان می شود و اخذ مناصب حکومتی به ظاهر از سلطان است ولی در حقیقت از امام معصوم (ع) است و به عنوان نایب امام (ع)، برخی امور را به سلاطین واگذار می کردند. حضور علما در کنار سلاطین صفوی (ذیل سلاطین) با این استدلال بود که ما به ظاهر از سلطان جائز حکم گرفته ایم ولی در واقع منصوب از طرف امام زمان حکم هستیم. چند مورد از تصریحات فقها به این مطلب را عرض می کنیم:

ابوالصلاح حلبی: فمّتی تکاملت هذه الشروط فقد أذن له في تقلد الحكم و ان كان مقلده ظالما متغلبا، و عليه متي عرض لذلك أن يتولاه، لكون هذه الولاية أمرا بمعروف و نهيا عن منكر تعين فرضها بالتعريض للولاية عليه، و ان كان في الظاهر من قبل المتغلب، فهو نائب عن ولي الأمر عليه السلام في الحكم و مأهول له لثبوت الاذن منه و آبائهم عليهم السلام لمن كان بصفته في ذلك.^۴

شیخ مفید: و من تأمر علي الناس من أهل الحق بتمكين ظالم له و كان أميرا من قبله في ظاهر الحال فإنما هو أمير في الحقيقة من قبل صاحب الأمر الذي سوغه ذلك و أذن له فيه دون المتغلب من أهل الضلال.^۵

سید مرتضی: قلنا: هذه الولاية إذا كانت حسنة أو واجبة عند ثبوت شرط وجوبها، و بينا أنها في المعني من قبل إمام الحق و صاحب الأمر، و ان كانت علي الظاهر الذي لا نقرّ به كأنها من قبل غيره.^۶

۴. ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه (اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳)، ص ۴۲۳

۵. شیخ مفید، المقنعة (قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳)، ص ۸۱۲

۶. سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی (قم: دارقرآن الکریم، ۱۴۰۵)، ج ۲، ص ۹۴

و این همان مبنای ولایت فقیه است. علاوه بر تصریح علما به داشتن حکم از جانب امام زمان (عج)، برخی از شاهان صفوی نیز به استحقاق علما بر امر حکومت اقرار کرده‌اند. شاه طهماسب در نامه‌ای به محقق کرکی نوشت: «شما به پادشاهی مستحق‌ترید، چون شما نائب امامید و من فقط یکی از عاملان شمایم که اوامر شما را اجرا می‌کنم».^۷

و نیز تصریح جهانگردان خارجی و برخی از تاریخ‌نویسان به اعتقاد مردم به حاکمیت علما مؤید دیگری است برآنچه گفته شد. مانند سفرنامه شاردن و کمپفر. بنابراین در دوره صفویه اعمال ولایت فقیه در حدّ مقدور ذیل حکومت سلطان صفوی ظهور خارجی داشته است.

نتایج همکاری علما با سلاطین صفوی

حضور علما در کنار سلاطین صفوی دارای نتایج مثبتی بود که به آن اشاره می‌شود:

۱. شکل‌گیری هویت شیعی در میان ایرانیان و نهادینه‌شدن فرهنگ سیاسی شیعه در درون جامعه، که باعث گسترش کمی و کیفی فرهنگ و هویت شیعه در ایران شد. برخی از متفکرین داخلی و خارجی معتقدند که بعد از صفویه، هویت ملی ایرانیان با تشیع در آمیخته است. به طور کلی، عناصر هویت ملی ایران سه صورت می‌تواند داشته باشد:
 - ۱) عنصر شیعی: نماد آن نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، عزاداری‌های محرم و صفر و فرهنگ عاشورا، و فرهنگ مهدویت است و اهمیت آن در این است که ایران با استقلال شیعی دوباره متولد شد.
 - ۲) عنصر اسلامی: عناصری که اسلامی است ولی به شیعه هم مختص نیست. مانند جوانمردی و فتوت، صله رحم؛ و نماد آن فرهنگ ادبی مثل شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی و حافظ است.
 - ۳) عنصر ایران باستان: مانند نوروز، سیزده‌به‌در، چهارشنبه سوری و غیره می‌باشد.
 در این میان، مهم‌ترین عنصر، عنصر شیعی است. زیرا از دو عنصر دیگر در جامعه اسلامی پررنگ‌تر است.
۲. دومین اثر همکاری علما با شاهان صفوی، تثبیت برخی اختیارات حکومتی برای علما بود. در دوره صفویه اختیار تام حکومت برای شاه بود و برخی اختیارات به علما واگذار شد. قوه مجریه و کلیه امور اجرایی از اختیارات شاه است و قوه قضاییه و کلیه امور مذهبی به دست علما بود. قوه مقننه و وضع قانون هم در اختیار هردو قرار داشت که به مناسبت اختیارات‌شان به وضع قوانین مربوطه می‌پرداختند. در دوره قاجار میان اختیارات شاه و علما تفکیک رخ داد و علما در اختیارات‌شان استقلال پیدا کردند و دیگر منصوب از طرف شاه نبودند. این استقلال به خودی خود صورت گرفت.

۷. مرتضی شیرودی، آرای سیاسی فقهای صفویه و قاجاریه (رواق اندیشه، خرداد ۱۳۸۲، شماره ۱)، ص ۹۶

۳. نتیجه سوم شکل‌گیری ارتباط وثیق بین مردم و علما بود که بعد از سقوط خلافت بغداد، یک امر مهم به حساب می‌آمد. مظاهر این ارتباط وثیق بین علما و مردم در سه حادثه تاریخی متأخر از دوران صفویه آشکار شد:
- ۱) درخواست سلطان از علما برای ترغیب مردم به حضور در امور سیاسی. (فتاوی جهادیه علما)
 - ۲) عدم توان حکومت به مقابله مستقیم با علما. (نهضت تنباکو)
 - ۳) اجبار حکومت به پذیرش درخواست علما در جریان مهاجرت‌ها. (نهضت عدالتخانه)
- به‌طور کلی، در دوران صفویه و سلسله‌های پس از آن، روابط علما و حکومت به شرح ذیل تعریف شده بود:
- الف. دوره صفویه: روابط علما و حکومت بر مبنای ولایت فقها ذیل سلطنت تعریف می‌شده است.
- ب. دوره افشاریه: نادرشاه به دنبال از بین‌بردن حساسیت‌های شیعی بود و می‌خواست فضای کشور را به اهل سنت نزدیک کند. در زمان صفویه، سگّه به نام اهل‌بیت زده می‌شد ولی در این دوره به نام چهار خلیفه ضرب می‌شد. کار دوّم و اساسی نادرشاه تضعیف جایگاه سیاسی علما بود.
- ج. دوره زندیه: این دوره دارای ویژگی‌های زیر بود:
- ۱) احیای مجدد جایگاه سیاسی علما.
 - ۲) اعطای سرپرستی هر محله به یک روحانی محلی
 - ۳) نام‌گذاری محله‌ها به نام دوازده امام
 - ۴) محور قراردادن شرایع الاسلام به عنوان قانون اساسی

قاجاریه

طایفه قاجار از حامیان صفویه بودند. سه طایفه ترک حامی صفویه بودند: افشارها، بیات‌ها، قاجارها (قوانلو، دوانلو).

آقامحمدخان قاجار در سال ۱۲۰۰ ق، ادعای سلطنت کرد و در سال ۱۲۱۰ تاجگذاری رسمی صورت گرفت. پس از آن به کرمان، خراسان، گرجستان برای پذیرفتن سلطه قاجاریه حمله کرد.

وضعیت جهان در زمان ظهور قاجاریه

دوره قاجاریه، مصادف است با دوره شکوفایی و رنسانس و انقلاب صنعتی اروپا و وقوع انقلاب فرانسه و دوره انحطاط ایران. جامعه قاجاریه، جامعه‌ای الیگارشویی و رابطه مردم با قاجاریه، رابطه مظلوم با ظالم بود.^۸ ویژگی‌های کلی این دوره عبارتند از:

۱. انقلاب‌های سیاسی و شکل‌گیری نظام‌های پارلمانی: در نظام پارلمانی «سلطنت» به واسطه مجلس یا پارلمان محدود می‌شود.
۲. انقلاب علمی: اعتقاد افراطی به علم سراسر اروپا را فراگرفت. دانشمندانی مانند کپرنیک، دکارت و نیوتن در این زمان بودند.
۳. رشد جمعیت اروپا: از سال ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴ به ۴۵۰ میلیون رسیده بود.
۴. رشد ثروت ملی اروپا از طریق استعمار و چپاول ثروت‌های کشورهای تحت سلطه.
۵. رشد افراطی ناسیونالیسم: تا قبل از فروپاشی کلیسا، «مذهب» محور وحدت اروپاییان بود و پس از فروپاشی آن «ملیت» جای آن را گرفت.
۶. نظریه‌های علمی سلطه جویانه و امپریالیستی مانند «داروینیسم اجتماعی» و «ابرمرد نیچه» در این دوره مطرح شدند، که خلاصه کلام آنان این بود که هرگاه قوم برتر بیاید، اقوام دیگر مثل بربرها باید فدای آن‌ها شوند.

۸. موسی نجفی و موسی حقانی، همان، ص ۷۶

۷. ظهور انقلاب صنعتی با اختراع ماشین بخار و در نتیجه نیاز به بازار فروش و تهیه مواد اولیه و چشم طمع به سرزمین‌های دیگر دوختن، دیگر مشخصه این دوران بود.^۹

ویژگی‌های کلی دوره قاجاریه

ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی دوره قاجاریه عبارت است از:

نظام سیاسی:

۱. استبداد ایلاتی
۲. تحت نفوذ استعمار (استعمار نو)
۳. رجال سیاسی وابسته انگلوفیل و روسوفیل
۴. استقلال امور قضایی از حکومت

نظام اقتصادی:

۱. اقتصاد کشاورزی دامداری و تجارت
۲. اداره کشور بر مبنای مالیات

نظام فرهنگی:

۱. غلبه فرهنگ شیعی در جامعه
۲. وجود خرده فرهنگ‌های انحرافی (شیخیه، بابیه، بهائیت، صوفیه)
۳. شکل‌گیری جریان روشنفکری
۴. پوشش اسلامی
۵. نظام آموزشی دینی
۶. ساختار ایلاتی و طایفه‌ای
۷. جایگاه بلند اجتماعی

نیروهای اجتماعی: نیروهای اجتماعی این دوره عبارتند از:

۱. روحانیت
۲. درباریان

۹. برای مطالعه بیشتر درباره وضعیت جهان و ایران در آستانه ظهور سلسله قاجاریه، ر.ک: موسی نجفی و موسی حقانی، همان، صص ۷۴ - ۸۰

۳. روشنفکران
۴. تجار و بازاریان
۵. کشاورزان
۶. خوانین و زمین‌داران

شخصیت آقامحمدخان قاجار:

۱. شیعه متعصب و پایبند به فرائض دینی
۲. احترام به علما ولی عدم رابطه نزدیک با آنها و عدم اعتبار نزد علما
۳. تساهل مذهبی با سایر ادیان
۴. فردی باهوش و مدبر در عین حال بسیار خشن
۵. بسیار پول دوست

جنگ‌های ایران و روس^{۱۰}

کشورهای درگیر در این جنگ: روسیه، فرانسه و انگلیس بودند. دلیل وقوع این جنگ، اهمیت فوق‌العاده ایران برای این سه کشور بود. اهمیت ایران برای انگلیس از دو جهت بود:

۱. ایران پل خطر خارجی حمله به هند. هر کشوری برای تصرف هند باید از ایران می‌گذشت. و این موجودیت استعماری انگلیس را به خطر می‌انداخت.
 ۲. خطر داخلی ایران برای هند به دلیل احساس مشترک مذهبی و فرهنگی بین ایران و هند. حمایت از نهضت ضد استعماری هند، با وجود دولت‌مردان نسبتاً مستقل و مؤمن مانند عباس میرزا، میرزا شفیع، قائم مقام فراهانی و همراهی نسبی حکومت با خواسته‌های مذهبی روحانیت.
- هدف روسیه از این جنگ این بود که ایران را راه رسیدن به آب‌های گرم می‌دانست. هدف استعماری فرانسه هم این بود که ایران را پلی برای پیروزی و رسیدن به اهداف استعماری در هند قلمداد می‌کرد.^{۱۱}

۱۰. جنگ اول: ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ / ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۴

جنگ دوم: ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ / ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸

۱۱. مؤیدات اهمیت ایران برای بیگانگان:

سلطان بایزید ثانی عثمانی در نامه به شاه اسماعیل: مملکت ایران مانند پلی است که میان دو اقلیم بسیار وسیع اسلام‌نشین قرار دارد. این پل محتاج به یک محافظ با اقتدار است که هنگام لزوم در سرپل جلو دشمن اسلام را بگیرد. (ابوالحسنی، ص ۳۹ به نقل از کتاب انقلاب الاسلام ص ۱۰۰ - ۹۸)

ژنرال پاسکویچ روسی در نامه به عباس میرزا: انگلستان قدمی برای دفاع از ایران در مقابل روسیه قدمی بر نمی‌دارد و تنها منظور وی محافظت هندوستان می‌باشد. سیاستمداران جهان، وجود دولت عثمانی را برای حفظ موازنه و تعادل اروپا لازم می‌دانند لیکن هیچ نظر و توجهی ندارند که

جنگ اول ایران و روس

شرح ماجرا

- حاکمان روسی از سال‌ها قبل تمایل داشتند سرزمین قفقاز را که متعلق به ایران بود، به تصرف خود درآورند.
۱. آغاز حملات روس‌ها با حمله به گنجه (۱۲۱۸) و حمله به مناطق مختلف ایروان و قره‌باغ گیلان، باکو، شروان و ... (۱۲۲۱ - ۱۲۱۹)
۲. درخواست کمک از انگلیس بر اساس معاهده سال ۱۲۱۵ ق که انگلیسی‌ها وزیرمختار ایران در هند را مدت‌ها معطل کردند و شرط کمک را واگذاری کلی بنادر بحر خزر، بندر بوشهر و جزیره هرمز به انگلستان دانستند.
۳. توجه به فرانسه و معاهده فین‌کنشتاین بین ایران و فرانسه، بر ضد روسیه و انگلیس ۲۵ صفر ۱۲۲۱ ق ۴ مه ۱۸۰۷ م ولی فرانسوی‌ها صرفاً چند اراده توپ دادند و با وعده مذاکره با روس‌ها فقط وقت تلف کردند.
۴. معاهده تیلسیت بین روسیه و فرانسه (۱۲۲۱ ۹ ژوئیه ۱۸۰۷).
۵. درخواست آتش‌بس موقت توسط روس‌ها به شرط حضور در مناطق اشغال‌شده و مخالفت عباس‌میرزا و شرط شاه بر تخلیه ولایات و مذاکره بدون شرط. در حالی که ایلچی وزیر امور خارجه بر مذاکره اصرار داشت.
۶. تخلیه قفقاز با نظر ایلچی به رغم اصرار عباس‌میرزا بر آمادگی سپاه در آن‌جا و حمله مجدد روس‌ها.
۷. حمله مجدد روس‌ها در ۱۲۲۷
۸. فتاوی‌ای جهادیه علما و شکست پی‌درپی روس‌ها: علمایی که فتوای جهاد صادر کردند، عبارتند از شیخ جعفر کاشف الغطاء، سیدعلی اصفهانی از عتبات، سیداحمد نراقی، میرزا ابوالقاسم جیلانی، میر محمدحسین سلطان‌العلماء از اصفهان، ملاعلی اکبر اصفهانی، حاجی ملاباقر سلماسی، صدرالدین محمد تبریزی.
۹. تداوم جنگ و درگیری بین ایران و روسیه و عمده‌تأ شکست روس‌ها.
۱۰. خروج فرانسوی‌ها و ورود سرهارفورد جونز انگلیسی به ایران.

معاهدات

۱. **معاهده مجمل:** (۲۵ محرم ۱۲۲۴ ق؛ ۱۲ مارس ۱۸۰۹) این معاهده با اصرار ایلچی بین ایران و انگلیس بسته شد و مفاد آن عبارت بود از:
 - لغو معاهدات ایران با رقبای انگلیس و منع عبور قشون آن‌ها از ایران به هند.

حکومت ایران از چه قرار است و سلطنت آن با کیست؟ (ابوالحسنی، ص ۴۰ به نقل از: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ج ۲، ص ۲۲۷)

لرد کرزن وزیر خارجه وقت انگلستان:

موقعیت جغرافیایی ایران، دامنه منافع ما در آن کشور و امنیت آینده امپراطوری خاوری ما در زمان حاضر این را برای ما غیر ممکن می‌سازد که از آنچه در ایران رخ می‌دهد سلب علاقه کنیم. (ابوالحسنی، ص ۴۰، به نقل از: دنیس رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ص ۲۲ و ۲۳)

• تعهد انگلیس به حمایت نظامی و مالی از ایران در حمله دول اروپایی به میزان نیاز برای اخراج آنها.

ایلچی به عنوان نماینده ایران برای پیگیری معاهده به انگلیس رفت و پس از گذشت ۹ ماه به ایران بازگشت.

۲. **معاهده مفصل:** (۱۲۲۷ق؛ ۱۸۱۲م) مفاد این معاهد همان مفاد معاهده مجمل بود. علاوه بر آن تعیین شد:

(۱) سالیانه ۲۰۰ هزار تومان به عنوان کمک و در صورت حمله دیگر دول اروپایی به ایران پرداخت شود؛

(۲) انگلیس در امور داخلی ایران دخالت نکند؛

(۳) ایران به انگلیس در صورت حمله افغانها به هند کمک کند.

۳. **عهدنامه گلستان:** زمینه‌های شکل‌گیری این پیمان به این شرح بود:

در ۱۳ سپتامبر ۱۸۱۲ جنگ روسیه و فرانسه تشدید شد و مسکو توسط فرانسه تصرف شد. در این حالت، روس‌ها از ایران تقاضای صلح کردند به این جهت که سپاهیان خود را که درگیر جنگ با ایران هستند، برای مقابله با فرانسه، به جبهه دیگری اعزام کنند.

ادامه جنگ و اردو زدن سپاه در اصلاندوز، شیخون روس‌ها و از هم‌پاشیدن ارتش ایران، خارج کردن نیروهای انگلیسی از جبهه جنگ با روس‌ها، شایعه کشته‌شدن عباس‌میرزا و از هم‌پاشیدن سپاه و عقب‌نشینی تا تبریز، وقایع مهم دیگری بود. جمع‌آوری سپاه هفتاد هزار نفری از ایران و اصرار سرگور اوزلی و میرزا شفیع و ایلچی به صلح؛ تهدید اوزلی به قطع حمایت‌های مالی از ایران در صورت عدم پذیرش صلح و راضی کردن شاه بدون اطلاع قائم مقام و اطرافیان، از عوامل تأثیرگذار بر انعقاد عهدنامه گلستان بود.

مواد عهدنامه گلستان عبارت بود از:

(۱) حق انحصاری روسیه به کشتی‌رانی دریای خزر.

(۲) واگذاری گنجه، باکو، طالش، شروان، قفقاز به روسیه.

(۳) حمایت از سلطنت عباس‌میرزا و اولاد وی که به‌منزله دخالت در امور ایران بود.

این قرارداد یک قرارداد متارکه بود چون روس‌ها از اوزلی خواسته بودند که یک سال متارکه جنگ را شکل دهد تا روسیه از سپاه خود علیه فرانسه استفاده کند. به همین جهت هم مرزها مبهم ماند تا بهانه‌ای برای جنگ بعدی باشد.

علل شکست ایران در جنگ اول:

۱. خیانت‌های انگلیس و فرانسه در کمک نظامی در حمایت از ایران.

۲. عدم همکاری مناسب برخی خوانین محلی و شاهزاده‌ها با عباس‌میرزا به دلیل حسادت به وی.

۳. پرداخت یک‌ششم هزینه جنگ توسط فتحعلی شاه و بقیه برعهده ولایت آذربایجان گذاشته شده بود، که توانایی پرداخت همه هزینه جنگ را نداشت.

۴. وجود جاسوس‌های داخلی و خارجی در سپاه ایران و انتقال اطلاعات به روسیه.

۵. مخالفت برخی از درباریان با عباس میرزا در تجهیز ارتش به لوازم نظامی جدید به بهانه پذیرش لباس و آداب کفار.

جنگ دوم ایران و روس

مقدمات جنگ دوم

- ♦ حضور لرد ولینگتون سردار انگلیسی به روسیه و اعلام موافقت انگلیسی‌ها با هرگونه اقدام روس‌ها علیه ایران و عثمانی.
- ♦ تجاوزات مختلف روس‌ها به مناطق مرزی.
- ♦ شکایات اهالی مناطق اشغالی به علما و حکام از تجاوزات روس‌ها به نوامیس و اموال آنان و بی‌احترامی به اعتقادات، قرآن و مساجد.
- ♦ شورش‌های محلی و اعلام خوانین محلی برای مقابله با روس‌ها.
- ♦ تصمیم جدی عباس میرزا بر آزادکردن مناطق اشغال‌شده و گزارشات متعدد مبنی بر جمع‌آوری سپاه نیرومند سی‌هزار نفری با صد توپ.
- ♦ پیگیری‌های سیدمحمد مجاهد از عتبات و جویای وضعیت جنگ با روس‌ها که با استقبال شاه مواجه شد.
- ♦ حرکت سیدمحمد مجاهد به ایران و حرکت شاه به چمن سلطانی و ایجاد لشکرگاه و حضور سایر علما مانند ملامحمد جعفر استرآبادی، سید نصر الله استرآبادی، سید محمد تقی قزوینی، سید عزیزالله طالش، ملااحمد نراقی، ملاعبدالوهاب قزوینی در لشکرگاه و اعلام جهاد با روس‌ها.
- ♦ اقدام سفیر انگلیس از طریق ایادی خود به خرید غلات در ایران و احتکار آن جهت ایجاد فقر و مشکلات اقتصادی
- ♦ پیشنهاد صلح دائم بین ایران و روسیه از طرف نماینده روسیه و همزمان تجاوز روس‌ها به حدود و مرز ایران و کشتار اهالی آن.

آغاز جنگ

- ♦ آغاز جنگ در محرم ۱۲۴۲ که ظرف سه هفته تقریباً تمام اراضی که به وسیله معاهده گلستان تصاحب شده بود، بازپس گرفته شد.
- ♦ شکست بخشی از سپاه ایران در گنجه به دلیل کشته‌شدن سردار ایرانی و فرار فرمانده یعنی محمدمیرزا.
- ♦ حمله عباس میرزا به گنجه و کارزار سخت و عقب‌کشاندن فرزندان عباس میرزا از خط مقدم برای حفظ جان آن‌ها و از هم‌پاشیدن سپاه و عقب‌نشینی عباس میرزا تا کنار ارس.

- ♦ حمله مجدد خوانین محلی و عقب راندن روس‌ها تا تفلیس.
- ♦ ارسال میرزا محمدعلی شیرازی برادرزاده ایلچی برای مذاکره به تفلیس و بی‌نتیجه بودن مذاکرات در دسامبر ۱۸۲۶.
- ♦ خیانت احسان‌الله‌خان در نخجوان و همکاری با روس‌ها و تحویل نخجوان و اردوباد به روس‌ها و فریب ایرانی‌ها در عباس‌آباد با پرچم ایرانی در اردوی روس‌ها و گذاشتن روس‌ها از ارس و ورود به عباس‌آباد در ذیحجه ۱۲۴۲.
- ♦ حمله عباس میرزا به عباس‌آباد و آزادی آن و پیروزی ایران در نخجوان و ایروان و آزادی همه مناطق جز تفلیس و مراجعت شاه به تهران در محرم ۱۲۴۳.

حرکت نزولی و افول سپاه ایران

- ♦ کمبود آذوقه در سپاه و مرخص کردن برخی از سربازان توسط عباس‌میرزا و عدم پرداخت پول توسط شاه و واگذاری ایروان توسط یکی از خوانین در اعتراض به خروج شاه از میدان.
- ♦ عدم مقاومت مرندی‌ها در مقابل روس‌ها به خاطر قتل همشهری آن‌ها توسط عباس‌میرزا در سال‌های قبل.
- ♦ حضور روس‌ها در تبریز و گشودن دروازه‌ها به دستور میرفتاح که مخالف جنگ بود و با روس‌ها ارتباط داشت.
- ♦ خروج روس‌ها با پیغام عباس‌میرزا و فراهم شدن زمینه مذاکره و صلح.

معاهده ترکمنچای

برخی از مفاد مهم معاهده ترکمنچای عبارت بود از:

۱. برقراری پیمان صلح و مودت
۲. واگذاری خانات ایروان و نخجوان به روسیه و تخلیه طالش از سپاه ایران
۳. واگذاری تمام شمال رود ارس به روسیه
۴. پرداخت غرامت جنگی به روسیه از سوی ایران
۵. حق کشتی‌رانی روسیه در دریای خزر

نتایج معاهده ترکمنچای

۱. اولین نتیجه، تحقیر روحیه ایرانی و شکستن ابهت ایران بود. جبران این مسئله در سه واقعه هم تاریخی در دهه‌های بعد انجام شد. قتل گریبایدوف (۱۲۴۳)؛ قیام تنباکو (۱۳۰۹)؛ انقلاب مشروطیت (۱۳۲۴).
۲. دومین نتیجه، وارد آمدن ضربه شدیدی بر پیکر اقتصاد ایران بود.
۳. تلفات انسانی زیادی به ایران وارد شد.

۴. با ضعیف شدن ایران، موجبات جداسدن شرق ایران توسط انگلستان فراهم شد.

۵. فراهم شدن امتیاز کاپیتولاسیون.

جریان قتل گریبایدوف

بنابر عهدنامه باید اهالی مناطق اشغالی اعم از اسرا و کنیزان بر اساس میل خود کشور محل سکونت را انتخاب می کردند. گریبایدوف وزیر مختار روسیه با شناسایی کنیزان و زنان گرجی که به عقد مسلمانان درآمده بودند به خانه های آنها می رفت و زنان را به سرای خود می برد، گاهی شب نگاه می داشت که از آنها پرسد راضی هستند در ایران بمانند یا نه. دو زن از آصف الدوله را با همراهانی بردند ولی گریبایدوف همراهان را مرخص کرد و گفت خودم تنهایی باید از او سؤال نمایم. این موجب رنجش مردم و اعتراض به میرزا مسیح شد.

مردم در مسجد جامع اجتماع کردند و دومرتبه میرزا مسیح از گریبایدوف بازگرداندن زنان را درخواست کرد که هردو مرتبه با بی احترامی گریبایدوف و پاسخ رد دادن مواجه شد. در مرتبه سوم، ضمن توهین و سخنان ارتدادآمیز به نمایندگان گریبایدوف، آنها را کشته یا مجروح کرد. در نهایت به حکم حاجی میرزا مسیح مجتهد، سیل جمعیت به سفارت روسیه هجوم بُرد. قتل یکی از تظاهرکنندگان به دست محافظان سفارت، باعث خشم مضاعف آنان شد که با حمله عمومی به سفارت، گریبایدوف و اکثر همراهانش کشته شدند.

پس از این ماجرا، میرزا مسیح به عتبات عالیات تبعید شد. این تبعید توسط شاه و با صلاحدید علما و رضایت شخص ایشان انجام شد.

دوران سلطنت ناصرالدین شاه

در ۱۶ سالگی با کمک امیرکبیر به سلطنت رسید. (۱۲۶۴ - ۱۳۱۴ ق) او تا حدودی به امور کشورداری آشنا بود و اندکی هم به اصلاحات صوری علاقه داشت؛ البته تا جایی که استبداد مطلقه اش به خطر نیفتد. ناصرالدین شاه، امیرکبیر را صدر اعظم خود قرار داد.

امیرکبیر و حوادث مهم دوره او

در تاریخ صدارت وی، دو جریان مهم معاند وجود داشت:

۱. جریان اجنبی بویژه روس و انگلیس.

۲. جریان داخلی شامل مادر ناصرالدین شاه و دربار فاسد.

در زمان صدارت امیرکبیر، دو فتنه مهم رخ داد:

۱. **فتنه باب:** فرقه باب در راستای سیاست‌های استعماری و برای ضربه‌زدن به صلابت تشیع و با توجه به اهمیت مهدویت، تلاش می‌کرد تا از این طریق سایر معتقدات دینی شیعیان را خدشه‌دار کند. فرقه باب به وسیله یکی از شاگردان سیدکاظم رشتی (بنیان‌گذار شیخیه) به نام محمدعلی باب پایه‌گذاری شد.
۲. **فتنه سالار:** سالارالدوله حاکم خراسان قصد تصرف پایتخت را داشت که ابتدا امیرکبیر حشمت‌الدوله را برای سرکوبی او فرستاد که الار را شکست داد و به دلیل بدرفتاری، مردم خواهان سالار شدند و او با کمک ترکمن‌ها حشمت‌الدوله را شکست داد. مجدداً امیرکبیر مرادمیرزا را فرستاد و او توانست آن‌ها را شکست دهد و امیرکبیر علی‌رغم دخالت روس و انگلیس برای صلح، با تیزهوشی از تجزیه شرق ایران جلوگیری کرد.

اقدامات امیرکبیر

۱. تأمین امنیت راه‌ها و در نتیجه گسترش تجارت.
۲. اصلاحات مالی (مالیات‌ها، کاهش حقوق درباریان و ...)
۳. تأسیس دارالفنون و دعوت از استادان خارجی برای تدریس دروسی مانند نظامی، طب، فیزیک، شیمی و داروسازی، معدن، مهندسی، (از اتریش) زبان انگلیسی، فرانسه و روسی. دارالفنون ۵۰ سال بعد با تحریکات ملک‌خان منحل شد و بعد از مشروطیت دوباره احیا شد.
۴. ایجاد سربازخانه و پادگان در مرزهای شرقی و حفظ مرزها.
۵. انتشار اولین روزنامه رسمی (وقایع اتفاقیه).
۶. ورود ماشین چاپ.
۷. سیاست موازنه منفی و نیروی سوم: امیرکبیر در زمینه سیاست خارجی سیاست موازنه منفی را درپیش گرفت؛ که بر اساس آن، نه به روس و نه به انگلیس و نه به هیچ کشور دیگری نباید امتیاز داده می‌شد. در مقابل عده‌ای به موازنه مثبت قائل بودند که بر اساس آن، دادن امتیاز به هر دو طرف جایز می‌باشد. سیاست نیروی سوم، نظر دیگری بود که می‌گفتند در مقابل فشار روی و انگلیس باید به یک کشور سوم پناه ببریم. نیروی سوم زمانی فرانسه و بعد از آن آلمان و در زمان دکتر مصدق، آمریکا بود.

صدارت اعظم، پس از امیرکبیر

۱. **میرزا آقاخان نوری:** در این زمان چرخش سیاسی به نفع انگلیس یود و اجرای سیاست انگلوفیل، موجب انحطاط ایران در دوره قاجار شد. سیاست انگلوفیل به مراتب بدتر از سیاست موازنه مثبت بود. جدایی هرات از ایران بر اساس معاهده پاریس، در زمان صدارت وی بود.

۲. میرزا حسین خان سپهسالار: فردی اصلاح‌طلب و غربگرا بوده و افکار نوگرایانه داشته است و همیشه در جهت منافع خویش اقدام می‌کرده است. وقایعی که در زمان وی اتفاق افتاد عبارت است از:
- (الف) امتیاز رویتر که با مخالفت آیات ملاعلی کنی و سیدصالح عرب لغو شد.
 - (ب) بردن دو سفر شاه به فرنگ در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۲۹۵
 - (ج) پیمان آخال بین ایران و روسیه جهت مقابله با حمله ترکمنان
 - (د) تن دادن به قضاوت بیگانه با حکمیت گلداسمیت:
- حکمیت گلداسمیت ۱:
- انگلیس در پی توسعه سرزمین حائل بین ایران و هندوستان، اعلام کرد که سیستان متعلق به افغانستان است. با حمایت مالی و نظامی انگلیس، حکام افغانستان به ایران تجاوز کردند که در سال ۱۲۸۵ حکام افغانستان خواهان مداخله انگلیس شدند و انگلیس گلداسمیت را به عنوان حکم فرستاد و بخش زیادی از سیستان به افغانستان واگذار شد.
- حکمیت گلداسمیت ۲:
- تحریک ناصرالدین خان در بلوچستان و حکمیت مجدد گلداسمیت و جدایی کلات بلوچستان از ایران.

جریان روشنفکری

معنای اصطلاحی روشنفکر

در ابتدا به این جریان «منور الفکر» گفته می‌شد، سپس واژه «روشنفکری» که یا ترجمه *intellect* یا *Intellectuale* می‌باشد رواج یافت.

معنای مثبت: به این معنا کسانی روشنفکر هستند که :

۱. دارای توان فکری و علمی در حد عالی هستند
 ۲. خواهان نوگرایی، ایجاد تحول در جامعه، پیشرفت کشور و خدمت به ملت و فرهنگ خویش می‌باشند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.
- معنی منفی:** به این معنا روشنفکر کسی است که مؤلفه‌های کلی روشنفکر به معنای مثبت (توان فکری و علمی و خواهان پیشرفت و تحول) را دارد ولی الگوی او برای پیشرفت و تحول و نوگرایی، صرفاً تئوری و عملکرد مطلق اندیشمندان عصر روشنگری در اروپاست.

زمینه‌های شکل‌گیری روشنفکری در ایران

۱. تحصیل‌کردگان غرب: مانند میرزا صالح شیرازی.
۲. رجال سیاسی به‌ویژه سفیران: مانند میرزا عسکرخان افشار ارومی سفیر ایران در فرانسه، و میرزا ابوالحسن خان ایلچی سفیر ایران در انگلیس.
۳. تجار و سیاحان: مانند سفرنامه ابراهیم بیگ و حاج سیاح محلاتی.

گفتمان‌های روشنفکری در ایران

۱. گفتمان اول: غرب‌گرایی و سنت‌زدایی (بعد از جنگ ایران و روس).
 ۲. گفتمان دوم: دموکراسی‌خواهی در قالب مشروطه (عصر مشروطه).
 ۳. گفتمان سوم: تجدّدخواهی در قالب استبداد (ظهور رضاخان).
 ۴. گفتمان چهارم: ملی‌گرایی و استعمارستیزی (پس از سقوط رضاخان).
 ۵. گفتمان پنجم: روشنفکری دینی و چپ‌گرایی (بعد از کودتای ۲۸ مرداد).
 ۶. گفتمان ششم: روشنفکری مدافع گفتمان امام و انقلاب (دهه ۱۳۶۰).
 ۷. گفتمان هفتم: بازگشت به روشنفکری بیمار (اواخر دهه ۱۳۷۰).
- در این جا فقط گفتمان اول را که مربوط به دوره زمانی قبل از مشروطه می‌باشد را، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتمان اول: تجدّدگرایی و سنت‌زدایی، ظهور روشنفکری بیمار در ایران

مانند عبدالرحیم طالبوف، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حسین‌خان سپهسالار، میرزا ابوالحسن خان ایلچی.

مؤلفه‌های روشنفکری بیمار در ایران

۱. مقابله با دین و اعتقادات مذهبی که از سه طریق صورت می‌گرفت:

(۱) خرافی‌دانستن اعتقادات دینی (تعارض عقل و دین).^{۱۲}

(۲) ستایش از ایران باستان و زرتشت در مقابل اسلام.^{۱۳}

۱۲. آخوندزاده با نوع نگاهی که به عقل و فلسفه دارد منکر غیب و متافیزیک و ماوراء طبیعت است، با اساس وحی و دین مشکل دارد و خرابی و بدبختی تمام دنیا را در گرایش و اعتقاد به باورهای دینی می‌داند. (مکتوبات کمال‌الدوله). وی با تدوین نمایشنامه‌ای با عنوان «ابراهیم خلیل کیمیاگر» ضمن توهین به حضرت ابراهیم (ع) و جمیع ادیان ابراهیمی، تلویحاً نبوت را دستگاه عوام‌فریبی می‌داند.

آقاخان کرمانی: ریشه همه معتقدات دینی ترس و بیم نسبت به مظاهر طبیعی و ندانستن چگونگی آن‌هاست و آدمی به هر چه نادان‌تر است، ترسش از آن بیشتر. و این جهل و ترس منشأ پیدایش خرافات موهوم گردید.

ملکم‌خان: رساله «انشاءالله ماشاءالله»، اعتقاد به این که «سرنوشت» داور امور جهانی است. و معجزات انبیاء را اموری غیرعقلی و غیرقابل قبول می‌داند و معتقد است گسترش ادیان موجب حبس عقل و تعطیلی آن گشته است. (جزوه استاد)

۱۳. آخوندزاده: در ابتدا دین را به صورت تعبدانه و ارثی پذیرفته بود، سپس شریعت را انکار کرد و در نهایت سر از انکار الوهیت درآورد. «الان چیزی که مایه تسلی ما تواند شد این است که تکلیف خودمان را بفهمیم و بدانیم که ۱۲۸۰ سال در خطا بوده‌ایم. بعد از این به طرف بازماندگان و یادگاران نیاکان خودمان عطف نظر کنیم. این مذهب (زرتشت) باید نگاهداری گردد و کوشش آگاهانه‌ای باید به کار رود تا دیگر یک زردشتی به دین اسلام نگرود.

آقاخان کرمانی: در ابتدا مسلمان بود، ولی در نهایت منکر دین شد. «گمان ندارم هیچ کیشی تاکنون به طبع ایرانیان موافق دین زردشت شده باشد، برخلاف دین زردشت، دین اسلام مناسب قبایل وحشی و دزدمزاج بود که راهی برای معاش و زندگانی خود جز غارت و یغما نداشتند. و جز طریق فحشا و بی‌باکی نمی‌پیمودند، و انواع فحشاء و ظلم در میان‌شان شایع بوده است و قدر مسلم نمی‌تواند به اعتدال دین زردشت برسد. (جزوه استاد)

۳) اصلاح دینی (پروتستانیسیم).^{۱۴}

۲. شیفتگی و خودباختگی در برابر غرب که به چهار صورت متجلی شده بود:

۱) تمجید از غرب و تحقیر و بی‌اعتنایی به سنت‌های بومی.^{۱۵}

۲) خوش بینی و دل‌بستگی به بیگانگان.^{۱۶}

۳) حمایت از سیاست‌های استعماری بیگانگان و اعطای امتیازات استعماری به آنان.^{۱۷}

۴) عضویت در لژهای فراماسونری.^{۱۸}

۱۴. آخوندزاده: «تا دین از احکام اجتماعی و سیاسی و دخالت در امور بشری به طور کامل خلع نشود، هرگز بازسازی آن نمی‌تواند درجهت وصول به تمدن غرب کارساز و مفید باشد. بنابراین پروتستانیسیم اسلامی هنگامی ممکن است که احکام شریعت که به مقتضای زمانی خاص توسط پیامبر وضع شده‌اند، منسوخ شود و احکام دیگری به اقتباس از دنیای غرب اخذ شود. (تمثیلات)

آقاخان کرمانی: «چنان که «لوتر حکیم» با نهضت اصلاح دینی و پروتستانیسیم، مسیحیان را از تکالیف سخت کاتولیک رهایی بخشید و مسیحیان انجیل ساختگی را بوسیدند و بر طاق کلیسا نهادند و به دنیای علم و هنر قدم گذاردند، مسلمانان نیز باید به «اصلاح دین اسلام» بپردازند.

بنابر این، پروتستانیسیم اسلامی دو هدف را مد نظر داشت: ۱. جدایی دین از سیاست؛ ۲. تطبیق دین با آموزه‌های غرب مدرن. (جزوه استاد)

۱۵. آخوندزاده: «هیچ می‌دانید دولت روس چه خوبی‌ها به شما کرده و شما را از چه نوع بلاها محافظت می‌کند؟ بر شما لازم است که بزرگ خود را بشناسید، حق ولی نعمتی او را به جا بیاورید و همیشه به امر و نهی او مطیع بشوید، رسوم بندگی و آداب انسانیت را یاد بگیرید».

آقاخان کرمانی: «فرهنگ کهن شرق و اسلام، پیکر بی‌جان و مرده‌ای است، نباید با آن کاری داشت، باید در موزه بگذاریم به آرامی بخشید. به جای آن باید به فرهنگی روی آوریم که میراث جهان جدید است. او شعر و ادب عرفان اسلام را رد می‌کند و آن را مایه شیوع فسق و فجور و رواج فحشا و منکر می‌شمارد و در مقابل، شعر و ادب غربیان را عین حکمت و فضل می‌داند».

میرزا ملکم‌خان: «ایران در تمام ارکان زندگی سیاسی و اقتصادی باید اصول تمدن غربی را بپذیرد. در اخذ اصول تمدن جدید و مبانی ترقی، حق نداریم درصدد اختراع باشیم؛ بلکه باید از فرهنگی سرمشق بگیریم و در جمیع صنایع از باروت گرفته تا کفش‌دوزی محتاج سرمشق غیر بوده و هستیم». (جزوه استاد)

۱۶. میرزا ملکم‌خان، دولت‌های غربی را خیرخواهانی می‌داند که به دلیل رأفت و انسانیت فوق‌العاده خود تحمل ظلم موجود در کشورهای شرقی را ندارند و به دنبال حمایت از این کشورها به سرزمین آن‌ها وارد شده و در امور داخلی آنها دخالت می‌نمایند و آن‌ها در انجام این وظیفه انسانی فرقی بین مسیحیان و پیروان سایر ادیان نمی‌گذارند و همه ملل را از مواهب و حمایت‌های خود بهره‌مند می‌سازند. حضور آن‌ها جهت آبادانی و جلوگیری از توحش و بربریت است.

سپهسالار: دول فرنگستان به اصرار و ابرام، دولت عثمانی را مجبور خواهند نمود که اصلاحات عدیده در امورات دولت مجری دارد. اگر چه در ابتدای امر این اصرار و اجبار دول خارجه به نظرها تلخ و ناگوار می‌آید ولیکن بالاخره موجب نجات و فلاح و ترقی خواهد گردید. (جزوه استاد)

۱۷. سرهنری راولینسون انگلیسی: در برنامه میرزا حسین خان صدراعظم که برای احیای مملکت ایران طرح شده بود، مخصوصاً این نظر وجود داشت که منافع ایران با منافع انگلستان توأم شود.

امتیاز رویتز: در قبال احداث خط راه آهن، حق استخراج عموم معادن کشور (به استثنای طلا و نقره و اجبار کریمه) و استفاده از تمام جنگل‌ها و قنوات و تأسیس بانک و پست و تلگراف و کارخانجات به مدت ۷۰ سال به انگلستان واگذار شد. این یک امتیاز بی‌نظیر و بی‌سابقه بود که کل منابع اقتصادی یک مملکت پادشاهی را شامل می‌شد. قرداد رژی نمونه دیگری از امتیازات واگذار شده بود. (جزوه استاد)

۱۸. از یک فراماسون انتظار می‌رفت ایمان، عقیده و مذهب عقلایی (الهیات طبیعی) داشته باشد و به وحی و شرایع آسمانی بی‌تعلق باشد. بی‌وطنی از عقاید بارز فراماسون‌ها است، بدین معنی که فراماسون به هیچ جایی تعلق نداشت بلکه فردی متعلق به جهان و ارزش‌های غربی بود که در حقیقت جهان را باید زیر پرچم ولایت و سیطره امپراطوری بریتانیا در آن زمان دانست. روشنفکران متعلق به تشکیلات فراماسونری نمی‌توانستند به دین و ملیت و وطن معتقد و وفادار باشند، زیرا تشکیلات فراماسونی مسلک و مرامی غیر از اعتقاد به این‌ها دارد و بر اساس حریت نفسانی فکر و آزادی مطلق عقیده از شریعت و نشر افکار جدید بنا شده و مقصدش تحریک به شورش و انقلاب در کشورها به نفع انگلستان و استعمار است. (جزوه استاد)

۳. اعتقاد به جهان‌بینی علمی^{۱۹}

۱۹. آخوندزاده: درجهان‌بینی علمی، تجربه و حس و ماده و طبیعت جای وحی و امور ماورایی و متافیزیکی را می‌گیرد. آخوندزاده فلسفه و علوم عقلی را اموری مقابل وحی و امور دینی و متعارض با آن می‌داند و هرگونه خرق عادت، معجزه و وحی و کرامت را هم‌سان و هم‌ردیف رمل و جفر و کیمیاگری قرار داده و با تکیه بر قانون طبیعت و منشأ مادی اشیاء، وجود مخلوقات را چون فرشتگان و شیاطین را منکر می‌شود. میرزا ملکم‌خان با تفکیک بین علم و اعتقادات دینی، معتقد است اموری چون رفتن حضرت موسی (ع) به کوه طور و مکالمه با پروردگار، زدن عصا بر سنگ‌ها و جاری شدن چشمه‌ها، تولد حضرت عیسی (ع) از مریم باکره و زنده کردن مردگان توسط ایشان به هیچ وجه قطعی نیستند؛ پس نمی‌توان نام علم بر آن نهاد و باید بر آن اعتقاد نام نهاد. (جزوه استاد)

نهضت تنباکو

زمینه‌های نهضت تنباکو

۱. زمینه‌های فرهنگی: تبلیغ مسیحیت و گسترش فرهنگ غربی.
۲. زمینه‌های اقتصادی: قرارداد رژی باعث به وجود آمدن مشکلات معیشتی برای مردم شد، زیرا خرید و فروش تنباکو فقط توسط شرکت رژی باید صورت می‌گرفت و معامله از هر راه دیگر ممنوع بود؛ از سوی دیگر نامناسب بودن مبلغ قرارداد نیز مزید بر علت بود. طبق قرارداد سالانه ۱۵ هزار لیره به ایران داده می‌شد، در حالی که در قراردادی که همین شرکت با دولت عثمانی منعقد کرده بود، سالانه ۷۰۰ هزار لیره به این کشور پرداخت می‌شد.
۳. زمینه‌های سیاسی: این قرارداد موجب گسترش سلطه اقتصادی بیگانگان بر نبض اقتصادی کشور و در نتیجه موجب سلطه سیاسی می‌شد. زیرا، قریب به یک پنجم مردم ایران از طریق خرید و فروش تنباکو امرار معاش می‌کردند.

وصول و انتشار فتوای میرزای شیرازی

حکم میرزا در روز پنجشنبه اول جمادی الاولی سال ۱۳۰۹ به تهران و به دست مرحوم آشتیانی می‌رسد. تا نیمه همان روز حدود صد هزار نسخه از حکم میرزا نوشته شد و در تهران انتشار یافت و از آنجا به سراسر ایران ارسال می‌شد. تا عصر روز جمعه در تمامی ایران، از هیچ نقطه و محلی دود چپق و سیگار و سایر دخانیات بلند نمی‌شد.

نحوه برخورد ناصرالدین شاه با نهضت تنباکو

۱. تکذیب صدور حکم: نسخه‌های کپی شده فتوای میرزای شیرازی را معدوم می‌کنند تا سندی باقی نماند. علمای بلاد و شهرهای مختلف به میرزای شیرازی تلگراف می‌زنند و در نتیجه صحت صدور چنین فتوایی از سوی میرزا، اثبات می‌شود.

۲. ایجاد اختلاف در بین علما: نمایندگان دولت به پیش میرزای آشتیانی و سپس مرحوم مازندرانی در عراق می‌روند تا فتوای حلیت بگیرند. اما با پاسخ‌های قاطعی از سوی این دو مرجع مواجه می‌شوند.
۳. مصالحه با علما: دولتی‌ها جلساتی با علما تشکیل دادند تا امتیازنامه خوانده شود و مواد خلاف شرع قرارداد حذف شود. اختلاف اساسی علما و دولت بر سر مسأله انحصاری بودن معامله تنباکو بود، که هیچ یک از طرفین موضع خود را تغییر ندادند.
۴. برخورد خشونت آمیز: آخرین حربه، تصمیم گرفتن به تبعید میرزای آشتیانی، مجتهد تهران بود، که با موجی از حمایت‌های علما و مردم از میرزای آشتیانی همراه شد. خبر اخراج بزرگترین روحانی تهران، این شهر را در آستانه قیام مردمی قرار داده بود. تا این‌که ناصرالدین شاه در نهایت مجبور به لغو قرارداد رژی شد.

پیامدهای لغو امتیاز تنباکو

این پیامدها عبارتند از:

۱. شکست ابهت و اعتبار استبداد و استعمار^{۲۰}
۲. بروز و ارتقاء جایگاه سیاسی - اجتماعی علما^{۲۱}
۳. بروز و ارتقاء جایگاه سیاسی - اجتماعی علما در عرصه بین‌الملل^{۲۲}

۲۰. ادوارد براون: ناکامی امتیاز تنباکو نه فقط شرکت را دچار خسران زیاد کرد بلکه به حیثیت و نفوذ دولت انگلیس لطمه بزرگی زد و درباریان ایران که عموماً به قدرت‌های بزرگ متمایل و وابسته بودند، بعد از لغو امتیاز رژی، به سمت روس متمایل شدند و روابط خارجی ایران با انگلیس تضعیف شده و با روسیه تقویت شد.

کدی در این رابطه می‌نویسد: موفقیت شورشی که به رهبری علما به مخالفت امتیاز برپا شد به معنای افزایش فراوان وجهه و قدرت روس‌ها در ایران و در مقابل آن تنزل موقع و مقام انگلیسی‌ها بود.

۲۱. در حسن برخورد و پذیرایی از حضرات علما در این مجالس متعدده مشاهده شد، تا این عصر درباره هیچ یک از اعظام علمای ماضی این گونه حسن عنایت و عاطفت ملوکانه، اصلاً معهود نیافتاده.

ناصرالدین شاه در یکی از این مجالس خطاب به شیخ فضل الله نوری گفته است: سابق بر این رسم بود که علما در کارهای بزرگ مملکت طرف مشورت دولت می‌بوده‌اند. این رسم از میان رفته است. خوب وضعی نشده، از این به بعد باید کارهای عمده دولت به مشورت و صوابدید علما تمام شود. امتیاز دیگر به خارجه نخواهیم داد.

نیکی کدی: پس از جنبش تنباکو، اصلاح‌خواهان [روشنفکران] کوشش‌های پیگیری کردند تا دخالت پیشوایان علما در فعالیت‌های سیاسی ادامه یابد. این جنبش نشان داده بود که چگونه پیشوایان علما، با استفاده از مصونیت نسبی ناشی از مقام روحانی خود، می‌توانستند هم خشم و هم احساسات مذهبی توده‌ها را به طریقی بسیج کنند که برای اصلاح‌خواهان انجام دادن آن به تنهایی هرگز میسر نبود.

شیخ حسن کربلایی نیز در این رابطه معتقد است فرنگی‌مآبان که تا چندی پیش بر علیه اسلام مقالاتی طولانی می‌نوشتند و منتشر می‌کردند، بعد از مشاهده این واقعه عظیم و نقش مؤثر علمای اسلام، مقاله‌های طولانی و مفصلی در شرح و بیان حکمت و حقیقت آیین قویم و مستقیم اسلام نوشته و منتشر نمودند.

۲۲. سفیر روس: اگر چنین فتاوایی در مورد برخی کالاهای خارجی دیگر داده شود و یا حتی به طور کلی کالاهای خارجی تحریم شود، منافع اقتصادی همه ما به خطر می‌افتد و بالاتر از این اگر فتوایی در مورد قتل اتباع خارجی در ایران صادر شود، بلوایی عظیم به راه خواهد افتاد که از دست ما هیچ کاری بر نخواهد آمد.

۳. نهضت تحریم کالاهای خارجی و تقویت تولید داخلی^{۲۳}

تأسیس شرکت اسلامی

اهداف: تقویت تجارت داخلی، ممانعت از خروج ثروت ملی، جلوگیری از مهاجرت نسل‌های آینده به خارج برای کار، تسهیل معیشت مردم به دلیل ارزانی محصولات داخلی، ارائه الگوی تجاری برای آینده دولت و ملت. جلوگیری از رواج معاملات ربوی بیگانگان. سود اقتصادی بیشتر، خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی. شعبه‌ها: لندن، بادکوبه، مسکو، اسلامبول، بمبئی، کلکته، بغداد، قاهره، پاریس و... حمایت علما و مراجع: آخوند، سید یزدی، محدث نوری. (مراجع ثلاث) انگلیسیها: ادامه آن موجب سکت به منافع انگلیس در منطقه خلیج فارس است.

دولت‌های خارجی از نمایندگان و مأمورین خود خواستند که در رابطه با احوالات و شخصیت میرزای شیرازی به طور مفصل تحقیق کنند و گزارش دهند تا بفهمند که این شخص بزرگ کیست که موفق به چنین کار عظیمی شده است. نامه سفیر روس به میرزا :

من اوامر شما را در ممالک روسیه نسبت به مسلمانان اجرا می‌کنم و حاضرم برای پیشرفت مقاصد شما در مملکت ایران هر اقدامی بنمایم. البته میرزای شیرازی با زیرکی تمام به رغم این که سرکنسول روس دو سه روز در کشتی توقف کرده تا اذن ملاقات با میرزا را بگیرد، از پذیرفتن و ملاقات با او عذر می‌خواهد و به بهانه این که آداب نامه‌نگاری با امپراطور را نمی‌داند، از دادن جواب امتناع می‌کند و صرفاً پیغام می‌دهد که شما از طرف من به امپراطور اظهار امتنان بنویسید.

انگلیسی‌ها نیز در رقابت با روس‌ها به همین مضامین نامه‌ای از طرف پادشاه انگلستان برای میرزا فرستادند و به وسیله کنسول خود پیغام دادند که انتظار جواب ندارند و فقط ممنون می‌شوند که میرزای شیرازی نامه را قبول کند.

۲۳. یکی از پیامدهای جنبش ضد استعماری تنباکو، تداوم اندیشه تحریم کالاهای خارجی و مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانه در تفکر سیاسی - اجتماعی علمای شیعه و ملت ایران و شکل‌گیری نهضت بزرگ تحریم کالاهای خارجی است. این حرکت دو بعد سلبی و اثباتی داشت. بعد سلبی آن مبارزه منفی و تحریم اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی اجانب و بعد اثباتی آن تلاش برای سازندگی و خودکفایی ملی و استغناء از بیگانگان است. البته لازم به ذکر است که تحریم به معنای فقهی آن یعنی حرام دانستن نیست، بلکه به معنای پرهیز از استفاده است. لذا در بیانات مختلف علما به این نکته اشاره شده است که ما استفاده از کالاهای خارجی را حرام نمی‌دانیم ولی از آن پرهیز می‌کنیم و به تولیدات و کالاهای داخلی روی می‌آوریم. این اندیشه و تفکر در قالب‌های مختلفی در ایران به نمایش گذاشته شد.

مرحوم آقاجانی بعد از مراسم نماز جماعت در مسجد جامع سلطانی (مسجد شاه) طی سخنرانی مبسوط و مهمی با استناد به آیات و روایات، از مردم می‌خواهد که از مصرف کالاها و منسوجات خارجی خودداری نمایند و به مصرف کالاهای داخلی روی آورند. ایشان در نامه‌های و اعلامیه‌های بعدی مردم را تشویق به استفاده از کالاهای اسلامی می‌نمایند. و نهایتاً تأسیس شرکت اسلامی در سال ۱۳۱۶ ق.